

بررسی جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل موثر بر رشد آن
(مطالعه موردی: استان کرمانشاه)

Investigating the socioeconomic status of rural woman and the factors influencing its growth

کوروش روستا^۱، پوریا سعدالهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۱

چکیده

هدف از انجام این پژوهش شناسایی عوامل موثر در بهبود جایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی است. رسیدن به توسعه‌ای پایدار آرزوی هر ملتی است که با در نظر گرفتن زنان، رسیدن به این امر دست یافتنی می‌شود. اکثر پژوهشگران توسعه بر این عقیده‌اند که شناخت نقش و جایگاه زنان در روستاها، دستیابی به توسعه‌ای پایدار را امکان پذیر می‌سازد. پژوهش حاضر به بررسی جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان در روستاهای استان کرمانشاه می‌پردازد. جامعه آماری شامل ۴۰۰ نفر از زنان روستایی در روستاهای استان بود که برای نمونه‌گیری از هر منطقه جغرافیایی استان یک روستا به تصادف انتخاب و از بین آنها به صورت تصادفی و با رعایت انتساب متناسب ۲۰۰ نفر (برحسب محاسبه فرمول کوکران) انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ۳۸/۵ درصد زنان در جایگاه اجتماعی پایین، ۵۲ درصد زنان در جایگاه متوسط جامعه و ۹/۵ درصد زنان در جایگاه بالای جامعه قرار دارند؛ و همچنین متغیرهای؛ اعتماد به نفس، میزان تحصیلات، تحرک اجتماعی، مشارکت اقتصادی و... اثر مثبتی در بهبود جایگاه زنان در روستاها دارد.

واژه‌های کلیدی: وضعیت اجتماعی اقتصادی، زنان روستایی، باورهای اجتماعی، روستاهای استان کرمانشاه

^۱ دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

^۲ دانشجوی دکتری ترم چهارم رشته ترویج و آموزش کشاورزی، (نویسنده مسئول) psadollahi@yahoo.com

مقدمه و بررسی منابع

در جهان کنونی نیل به اهداف توسعه و از جمله توسعه روستایی منوط به توجه به زنان است و یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی مشارکت زنان و نحوه ایجاد نقش آنان در حیات اقتصادی-اجتماعی است. حدود نیمی از روستاییان و خانوارهای کشاورز را زنان تشکیل می‌دهند که تأمین کننده بیش از نیمی از منابع غذایی در سطح جهان هستند (Behfrouz, 2011).

موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد از ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه تأثیر می‌پذیرد. زنان نیمی از جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند. در اغلب نقاط جهان، زنان نسبت به مردان محروم‌تر و آسیب‌پذیرترند و در جوامع روستایی این آسیب‌پذیری به نسبت شدیدتر است. زنان با وجود مشارکت در بسیاری از فعالیت‌ها در سطح روستا، از جایگاه و رتبه خاص اجتماعی برخوردار نیستند (Azkia, 2008). بدین منظور از دهه ۷۰ میلادی، مسایل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرآیند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی موضوعات مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند (Azkia, 2008). تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه ساختن مردم از اهمیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان جامعه در توسعه کشور و محل زندگی داشت، زیرا هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (Azkia, 2008). زنان روستایی مولدان و مبدلان محصولات کشاورزی در نظام اقتصادی بوده، در جایگاه مدیران داخلی خانواده‌های خود، اعضای موثر جامعه برای مشارکت در توسعه و عمران روستایی به شمار می‌روند و باید سهم خود را در تعیین سرنوشت و مشارکت در اداره جامعه روستایی ایفا کنند (Sarmadi et al, 2014). زنان با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، می‌توانند به عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه محسوب شوند. با توجه به واقعیت‌های ملموس جهانی متأسفانه زنان از موقعیتی نامطلوب در سطح بین‌المللی برخوردارند (Sarmadi et al, 2014). بطور مثال تفاوت در سطح سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری و دریافت حقوق برای کار مساوی پدیده‌ای جهان شمول است. میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی تأییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان است، زیرا زنان روستایی در تمام مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی و به طور کلی تمامی امور دوشادوش مردان به فعالیت می‌پردازند و اوقات اندک فراغشان را نیز صرف تولید صنایع دستی مانند گلیم و قالی و ... می‌کنند. بنابراین ایجاد زمینه‌های خود آگاهی هدایت توانایی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و برنامه‌ریزی جهت جلب مشارکت آنان در فعالیت‌های گوناگون الزامی است (Shakouii, 2013).

در مورد فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان روستایی در ایران مطالعاتی محدود انجام شده که آن هم اغلب به مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل موثر بر اشتغال زنان اختصاص داشته است. در خانوارهای روستایی، زنان در انجام امور تولید از مردان فعال‌ترند، اما قدرت نفوذ مردان در خانواده بسیار بالا است. بیش از ۹۶ درصد زنان روستایی حداقل از یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده برخوردارند؛ اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنها تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی است. زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده خود مالک

عوامل تولید نیستند؛ از این رو با وجود حضور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی، در استفاده از اعتبارات دولتی (وام‌های بانکی) با موانع متعدد روبه‌رو می‌شوند (Lahsaiezadeh, 2007).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین تحصیلات و مشارکت اقتصادی زنان روستایی رابطه معکوس وجود دارد. با افزایش سن، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود و برعکس با افزایش تحصیلات و درآمد مردان، مشارکت زنان کمتر می‌شود (Papinezhad & Mohebbi, 2010).

بر اساس نتیجه یک تحقیق دو نوع مانع ساختاری و غیر ساختاری بر مشکلات سیاسی و اقتصادی زنان تأثیر گذاشته است: شخصیت و ویژگی جنسیتی به همراه خصوصیات جسمانی خاص، از یک سو و موانع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، قانونی و اقتصادی از سوی دیگر همگی سبب شده است که در یک فرآیند دراز مدت به جز نقش‌های خانوادگی زنان مانند شوهرداری و تربیت کودکان در سایر زمینه‌ها، بانوان جنس دوم محسوب شوند (Amini & Ahmadishapoorabadi, 2009).

بر اساس نتایج تحقیقی در شهرستان همدان، سطح تحصیلات همسران زنان مورد مطالعه، شاخص اعتماد به نفس در بین زنان روستایی، پس انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، تحرک اجتماعی زنان و نگرش برابر جنسیتی موجب بهبود جایگاه اقتصادی زنان می‌شود (Babaie, 2000).

مشارکت سیاسی را می‌توان در دو سطح مشاهده کرد: در سطح توده مردم، مانند شرکت در انتخابات، احزاب و انجمن‌ها و در سطح نخبگان مانند حضور در مجلس و قوه مجریه (Soroushmehr *et al*, 2010).

از نظر جامعه‌شناختی، سه دیدگاه در رابطه با جنسیت و توسعه مطرح شده و بر همین مبنا رویدادهایی برای توسعه یافتگی زنان ارائه شده است (Rastow, 2015).

۱- دیدگاه زن در توسعه (جدایی برابر): در این دیدگاه زنان جدای از مردان اما برابر با آنان تعریف می‌شوند. این دیدگاه دارای سه رویکرد رفاه، فقرزدایی و کارایی است.

۲- دیدگاه جنسیت و توسعه (برابر ولی متفاوت): در این دیدگاه بر سه نقش زنان یعنی نقش‌های اجتماعی، تولید مثل و تولیدکنندگی تأکید شده و باور بر این است که با توجه به خصوصیات و نیاز زن و مرد باید فرصت‌ها به گونه‌ای در اختیار آنها قرار گیرد که بتوانند وظایف خود در زندگی را به خوبی انجام دهند.

۳- دیدگاه زن و توسعه (نهادگرا): در این دیدگاه، نظام جامعه شامل ارزش‌ها، باورها و اعتقادات، روش‌ها و ارکان سازمان‌های حکومتی و دولتی در قالب نهادها به صورت کامل و به هم پیوسته مد نظر قرار می‌گیرد. دیدگاه زن و توسعه مناسب‌ترین رویکرد توانمندسازی زنان است (Rastow, 2015).

این دیدگاه دارای دو رویکرد است: ۱- رویکرد توانمندسازی زنان که از سه عنصر اصلی رشد آگاهی‌ها توأم با تفکر انتقادی، توسعه ظرفیت‌ها برای تحول کارساز بر اساس واقعیات موجود و تقویت سازماندهی اقشار گوناگون تشکیل شده

است ۲- رویکرد برابری جنسیتی که در قالب یکی از اهداف برنامه‌های توسعه انسانی سازمان ملل دارای سه جز مهم و اساسی است؛ برابری فرصت‌ها برای تمامی افراد، ادامه پایداری این گونه فرصت‌ها از یک نسل به نسل دیگر و توانمندسازی افراد به گونه‌ای که بتوانند در فرآیند توسعه شرکت کرده و از منافع آن بهره مند شوند (Deaton, 2016).

بر اساس نظریه‌های جنسیتی، موقعیت‌های تابعی زن در بازار کار، خانه و خانواده در ارتباط با یکدیگرند و بخشی از یک نظام اجتماعی کل به شمار می‌روند که در آن زنان تابع مردان هستند (Chant, 2013).

بر اساس نظریه‌های جنسیتی مادامی که زنان روستایی با وجود نقش مهم آنها در چرخه اقتصاد خانوار و جامعه نتوانند از طریق عواملی چون آموزش، کسب درآمد، مالکیت بر منابع و امکان پس انداز به سطحی از توسعه فردی دست یابند که بدان‌ها امکان انتخاب بر اساس خواسته‌هایشان داده شود، این نقش‌های خاموش و این بازیگران پنهان در جوامع روستایی به جایگاهی با منزلت انسانی درخور آن نخواهند رسید (Chant, 2013).

الگوهای رفتاری و کنش‌های زنان تابعی از عوامل اجتماعی و فرهنگی‌ای است که جامعه بدان‌ها تحمیل می‌کند (Marmot, 2014).

به باور جانستون، رفتار انسان از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و محیط انسان-ساخت تأثیر می‌پذیرد (Johnston, 2014).

اهمیت عامل باورهای غالب جامعه تا آنجاست که به عقیده گروهی از محققان توسعه و پیشرفت جایگاه افراد در گروه بازسازی و نوسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و باورهای تازه و نهادینه شدن آنهاست (Johnston, 2014).

مواد و روش‌ها

تحقیق مورد نظر، تحقیقی کاربردی است که جنبه‌ی بیشتر آن از مطالعات میدانی به شمار می‌آید. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است که با پرسش‌های بسته صورت گرفت. روایی پرسشنامه از روش روایی صوری و سپس روایی تشخیصی به روش تعیین شاخص میانگین واریانس استخراج شده است. این ضریب نشان می‌دهد که چه درصدی از واریانس سازه مورد مطالعه تحت تأثیر متغیرهای آن بوده است؛ محققان مقدار ۰/۵ به بالا را برای مناسب بودن این شاخص تعیین نموده‌اند. جهت تعیین پایایی نیز تعداد ۳۰ پرسشنامه از محققان خارج از نمونه مورد مطالعه تکمیل شد و ضریب آلفای کرونباخ برای موارد مذکور تعیین شد (جدول ۱).

جدول ۱: نتایج تحلیل پایانی

Table 1: analysis of the final results

صفات مورد مطالعه	ضریب میانگین واریانس	ضریب پایانی	آلفای کرونباخ
داشتن شغل	٪۸۶	٪۹۷	٪۷۵
سطح تحصیلات	٪۸۷	٪۹۱	٪۸۰

ادامه جدول ۱

میزان زمین	%۸۹	%۹۳	%۸۶
میزان درآمد	%۹۰	%۹۲	%۷۹
نوع منزل	%۹۲	%۹۴	%۸۵
وضعیت تأهل	%۹۳	%۹۵	%۷۹
تعداد اعضای خانواده	%۹۳	%۹۵	%۸۷

در این پژوهش موضوع جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی، بر اساس عواملی (متغیرهایی) چون؛ داشتن شغل، سطح تحصیلات، میزان زمین، میزان درآمد، نوع منزل، وضعیت تأهل و تعداد اعضای خانواده مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج و بحث

زنان روستایی در استان کرمانشاه در محدوده سنی (هرم سنی) ۱۴ تا ۶۵ سال قرار دارند که بیشترین تعداد نمونه سنی در گروه ۲۱-۳۰ سال قرار دارد.

جدول ۲: بررسی ویژگی‌های شناختی افراد

Table 2: study of cognitive characteristics of individuals

مشخصات فردی (افراد)	فراوانی	درصد
۲۰ سال و کمتر	۵۰	۲۵
۲۱-۳۰ سال	۶۷	۳۳/۵
۳۱-۴۰ سال	۴۴	۲۲
۴۱ سال به بالا	۳۹	۱۹/۵

این جدول سن افراد را در رنج‌های مختلف نشان می‌دهد؛ همانطور که پیداست، بیشترین فراوانی در بازه ۲۱-۳۰ ساله (۳۳/۵ درصد) وجود دارد، افراد با سن ۴۱ سال به بالا کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳: وضعیت تأهل زنان روستایی

Table3: marital status of rural woman

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مطلقه	۱۶	۸
سرپرست خانوار	۵	۲/۵
متأهل	۱۷۹	۸۹/۵

از ۲۰۰ نفر کل نمونه ۱۷۹ نفر از زنان متأهل هستند که بیشترین فراوانی را دارد؛ ۱۶ زن مطلقه و ۵ زن سرپرست خانوار هستند (یعنی به دلایلی؛ چون فوت شوهر یا جدا شدن از شوهر).

جدول ۴: سطح تحصیلات (باسواد - بیسواد)

Table4: Level of Education

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۳۰	۱۵
ابتدایی	۴۴	۲۲
راهنمایی	۲۱	۱۰/۵
متوسطه	۹۷	۴۸/۵
دیپلم و بالاتر	۸	۴

این جدول سطح سواد افراد را نشان می‌دهند که تقریباً نیمی از افراد تا سطح متوسطه خوانداند و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، در حالی که افراد با مدرک تحصیلی بالاتر تنها ۴ درصد را شامل می‌شود.

جدول ۵: تعداد اعضای سرپرست خانوار

Table5: Number of household members

تعداد اعضای سرپرست خانوار	فراوانی	درصد
۰-۴	۸۵	۴۲/۵
۵-۷	۷۳	۳۶/۵

۱۷	۳۴	۸-۱۰
۴	۸	بالای ۱۰ نفر

اکثر خانوارهای روستایی ۷-۵ نفره می‌باشند، با فراوانی ۷۳ و کمترین تعداد اعضای خانوار مربوط به افراد بالای ۱۰ نفر می‌شود.

جدول ۶: نوع شغل
Table 6: Job Type

نوع شغل	فراوانی	درصد
قالی بافی	۶۹	۳۴/۵
آرایشگری	۳۸	۱۹
خیاطی	۴۴	۲۲
بافندگی	۳۸	۱۹
لبنیات فروشی	۱۱	۵/۵

قالی بافی پر گرایش‌ترین شغل در روستاهاست و بیشتر افراد به این شغل متمایل می‌شوند، در حالی که لبنیات فروشی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده و زنان روستایی کمتر به آن گرایش دارند.

جدول ۷: درآمد خانوار

Table 7: Household Income

میزان درآمد	فراوانی	درصد
کمتر از ۱۰۰	۷۹	۳۹/۵
۵۰۰-۱۰۰	۱۰۴	۵۲
۵۰۰ به بالا	۱۷	۸/۵

درآمد نیمی از خانوارها بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار ریال است که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۸: مالکیت زمین

Table8: land ownership

مالکیت زمین	فرآوانی	درصد
دارای زمین	۱۱۸	۵۹
فاقد زمین	۸۲	۴۱

بیش از نیمی از زمین‌ها متعلق به خودشان است و بر روی زمین زراعی خود کار می‌کنند، در حالی که بقیه به صورت‌های مختلف و از جمله: کرایه، روزمزد و... در زمین دیگران کار می‌کنند.

جدول ۹: جایگاه اجتماعی - اقتصادی

Table9: land ownership

جایگاه اجتماعی - اقتصادی	فرآوانی	درصد
پایین	۷۷	۳۸/۵
متوسط	۱۰۴	۵۲
بالا	۱۹	۹/۵

از جدول پیداست که زنان از جایگاه متوسط اجتماعی برخوردار هستند.

معمولاً در تحقیقات اقتصادی و اجتماعی به دلیل ماهیت کار و مقیاس متغیرهای مورد سنجش، با حجم زیادی از متغیرها روبه‌رو هستیم. از طرفی محقق برای تحلیل بهتر و دقیق‌تر داده‌ها و رسیدن به نتایجی علمی‌تر و در عین حال عملیاتی‌تر به دنبال آن است که از یک طرف حجم داده‌ها را کاهش دهد و از طرف دیگر ساختار جدیدی را برای داده‌های خود تشکیل دهد. در این پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل عامل تأییدی از مجموع متغیرها ۴ عامل ساخته شده است. جدول ۸، ماتریس همبستگی متغیرها و عامل‌ها را بعد از چرخش نشان می‌دهد. این عامل‌ها به دلیل سنخیت ماهیت و مقدار بار عاملی شان در ۲ عامل با عنوان عامل‌های وضعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی از مجموع عوامل تاثیرگذار بر زنان روستایی هستند. همچنین به منظور اولویت‌بندی عوامل و مولفه‌های عمده تاثیرگذار بر زنان روستایی، از آزمون ناپارامتری فریدمن استفاده گردیده است.

جدول ۱۰: ماتریس همبستگی عامل‌ها بعد از چرخش

Table 10: correlation matrix of agents after rotation

متغیرها	عامل اجتماعی	عامل اقتصادی
قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در امور مختلف	۰/۵۸	
شرکت در مراسم مذهبی	۰/۷۸	
همکاری با موسسه‌های خیریه جهت اشتغالزایی	۰/۶۷	
عدم دسترسی به منابع مالی	۰/۷۸	
میزان رضایت از وضعی تا اشتغال		۰/۶۹
نقش شرکتهای تعاونی در خوداشتغالی زنان		۰/۴۱
نقش بنگاههای زودبازده در خوداشتغالی زنان		۰/۴۹
نقش کارگاههای کوچی صنایع دستی در خوداشتغالی زنان		۰/۴۵

نتایج این جدول حاکی از آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد، تفاوت آماری معنی-داری بین هر یک از عوامل و مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر وضعیت زنان روستایی وجود دارد. میانگین رتبه-های عامل اجتماعی ۵/۷ و عامل وضعیت اقتصادی ۴/۳ است.

نتیجه‌گیری کلی

بر اساس نتایج این تحقیق، بهبود تحصیلات زنان نقش موثر و مهمی در بهبود جایگاه اقتصادی و اجتماعی دارد، لذا توسعه‌ی مراکز آموزشی، نهضت‌های سوادآموزی و... می‌تواند به این موضوع کمک کنند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که هرچه باورهای اجتماعی در جامعه کامل‌تر و پویاتر باشد بر بهبود نقش زنان در جامعه موثرتر خواهد بود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که زنان جوامع روستایی بیشتر به سمت مشاغل غیر دولتی (غیر رسمی) گرایش پیدا می‌کنند که خود ناشی از عوامل مختلفی از جمله: گرایش‌های محل، نوع اعتقادات، دوری از محل مورد نظر و... می‌باشد. گرایش به مشاغل غیر رسمی یک نوع خوداشتغالی در بین زنان ایجاد می‌کند که این خوداشتغالی آنها را به سمت توانمندسازی خواهد برد. نتایج این پژوهش متناسب با یافته‌های پژوهش (Babaei, 2000) می‌باشد. در جامعه مورد مطالعه، ۹۳ درصد زنان در وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین قرار داشته و تعداد معدودی هم در وضعیت بالاتر قرار داشتند. ناگفته نماند هر اندازه زنان و دختران روستایی سطح تحصیلات خود را بالا ببرند در جامعه روستایی وضعیت اقتصادی-اجتماعی بهتری را کسب کرده و در آینده این اجتماعات نقش مؤثری را ایفا می‌نمایند که این امر نشانگر لزوم توجه به افزایش سطح سواد زنان

روستایی جهت بهره‌گیری از نیروی بالقوه آنان در دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. نتایج پژوهش سرش مهر و همکاران (Sorosh Mehr *et al.*, 2009) هم تأکید می‌کند بهبود تحصیلات زنان روستایی نقش مؤثری در شناخت جایگاه اقتصادی زنان روستایی و ارتقاء وضعیت موجود آنان خواهد داشت. در ادامه‌ی پژوهش مشخص شد چنانچه شاخص تحرک اجتماعی در میان زنان روستایی بهبود یابد، وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنان هم به طور معناداری افزایش می‌یابد. شکور و همکاران (Shakuri *et al.*, 2006) نیز اظهار می‌دارند، تحرک و فعالیت‌های اجتماعی زنان موجب افزایش توانمندی اجتماعی آنان و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت به راه‌اندازی مشاغل خانگی توسط زنان و تأسیس تعاونی-های تولیدی آنان توجه بیشتری کند و زمینه‌های لازم را در ایجاد اشتغال برای آنان تسریع نماید تا بدین وسیله سطح مشارکت اقتصادی در میان آنان بالا رفته و این قشر ضعیف و زحمتکش اما مؤثر موجود در روستا دارای درآمد مستقل گردند که مطمئناً این درآمد کمکی به بهبود وضعیت معیشت در خانوارهای روستایی نیز خواهد کرد.

باتوجه به یافته‌های تحقیق می‌توان این طور بیان نمود که نزدیک به نیمی از زنان روستایی قشر جوان و مسن را تشکیل می‌دهد که آموزش این قشر از زنان روستایی می‌تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. آموزش می‌تواند در جهت آگاهی آنان در زمینه‌های مختلفی از جمله، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیط زیست باشد.

دادن یک برنامه جامع و مشاوره‌ای به روستاییان در جهت کاهش خشونت علیه زنان روستایی می‌تواند یکی از عوامل مفید در کاهش آن باشد و به بالا رفتن جایگاه زنان در روستا کمک شایانی کند. فرستادن مروج به روستاها از سوی مراکز خدماتی در جهت ارائه برنامه‌های هدفمند ترویجی و ایجاد کلاس‌های آموزشی در جهت بالا بردن نقش زنان در جامعه‌ی روستایی می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در جهت بهبود جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی باشد. اولتیماتوم (اتمام حجت) از طرف دولت برای حضور فعال زنان در اجتماعات و تشویق آنان در جهت توانمندسازی و خود اشتغالی که منجر به بهبود جایگاه آنان در اجتماع می‌شود.

References

- Amini, M., Ahmadishapurabadi, M. (2009).** "Self-tailing rural women and explaining the economic factors affecting it: Case study of Isfahan province", Volume 7, Number 4. (Winter 2009).Pages 7-29.
- Azki, M. (2008).** An Introduction to the Sociology of Rural Development. Tehran, Information Publishing House.
- Babaei, H. (2000).** A survey on the economic and social status of women in the urban and rural community of Hamedan.the organization of management and planning of Hamedan province.

- Behfrouz, F. (2011).** "The Study of Environmental Perception and Behavior in the Field of Behavioral Geographic Studies". *Journal of Geographic Research*, Number 31, pp.45-65.
- Chant, S. (2013).** *Female Household Headship and the Feminization of poverty: Facts, Fiction and Forward Strategies*. Gender Institute school of Economics.
- Deaton, A. (۲۰۱۶).** *The Analysis of Household Surveys: A Microeconometric Approach to Development Policy*. Washington DC, The World Bank.
- GharehJazi, H. (2003).** *The Need for Gender Attitudes in Developing the Fourth Development Plan*. Reyhaneh. Dore 1, Year 1, Issue 4.
- Ghazian, H. (2002).** *Development theories and cultural factors*. *Journal of Culture and Development*, No. 4, pp. 56-89.
- Hunter, J. (2011).** *Mathematical models of Attitude change vol.??*
- Johnston, R. J. et al. (۲۰۱۴).** *The Dictionary of Human Geography*. Oxford: Blackwell.
- Karimi, Y. (2013).** *Social Psychology*. Tehran, Payame Noor University.
- Kazempour, S. (2004).** "The Role of Political Socialization and Social determinants of Women's Political Participation". *Collection of Articles of the Conference on Women's Political Participation in Islamic Countries*. Tehran: AllamehTabataba'i University.
- Khajeh Noori, B., Hatami, A. (2007).** "Investigating the Factors Affecting the Employment of Young Women in the Western.
- Khalili, M. (2007).** "Pathology of Women's Participation in the Contemporary Iranian Society". *Women's Project No. 5*, No. 2.
- Khani, F. (2007).** *An income for gender geography*. Tehran: samt.
- Lahsaiezadeh, A. (2007).** *A survey of the rural women's class in Iran*. Tehran: Deputy Director of Planning and Support of the Institute for Agricultural Planning and Economics Research.
- Marmot, M. (2014).** *The status Syndrome: How Social Standing Affects our Health and longevity*. New York : Owl Books.
- Nouri, H., Ali Mohammadi, N. (2009).** "An Analysis of the Economic Activities of Rural Women: A Case Study of Isfahan City". *Geography and Environmental Planning*. Vol. 20, No. 2 (Summer 2009), pp. 87-104.
- Papee Nezhad, S., Mohebbi, F. (2010).** *Indicators of the Assessment of the Status of Women and Family*. Tehran: Public Relations of the Women's Cultural-Social Council.
- Rastow, W. (2015).** *The sage of Economic Growth: A non communist Manifesto*. Cambridge: Cambridge University.
- Sarmadi, F., Malimir, P., & Sarikhani, N. (2014).** *Rural women and their job creation*. Tehran: Ministry of Agriculture, Planning and Budget Vice-President, Planning and Agricultural Research Institute.
- Shahbazi, I. (2003).** *Roostazadegan Daneshmand*. First Printing, Shaghayegh Village Village, Tehran, Iran.

-
- Shokoui, H. (2013).** *New Thoughts in Geography Philosophy.*(Vol. 4). Tehran: Githeshnasy.
- SoroushMehr, H., Rafiei, H., Kalantari, K., & Sha'ban Ali Fami, H. (2010).** A survey on the socio-economic status of women in rural areas and their effective factors: a case study in Hamedan. *Rural Research Papers*, Vol. 1, No. 1 (Spring 2010), pp. 143 -165.
- Vosoughi, M., YousefiAghabin, A. (2005).** "Sociological Research on Social Participation of Rural Women in the AghKand Village of Mianeh County". *Social Sciences Journal*, Vol. 12, No. 3 (Summer 2005), pp. 123-139.
- Wisey, H., Badsar, M. (2005).** "Investigating the Factors Affecting the Social Role of Women in Rural Activities: A Case Study of Kurdistan Province". *Rural Developmental Development*, Vol. 8, No. 4, Winter (2005), pp. 19-42.